

کارگردان مستند «لابرینت» در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

فمینیسم عامل شکسته شدن قبح سقط جنین شد



زینب مزوقی خبرنگار گروه نقد روز

«موضوع سقط جنین یکی از موضوعات رنج‌آور است. این کار از نظر فقهی قتل و کشتن نفس محترمه است. شیوه‌ای که امروز در دنیا و جلوه‌هایی از آن در کشور ما انجام می‌گیرد و باید جلوگیری شود. بنده به وزیر مربوطه دستور داده‌ام که یک بخش ویژه فعال شده و ساحت‌های مختلف دنبال شود. در این زمینه، یک بخش فرهنگ‌سازی است که خطرات آن برای همگان تبیین شود، بخش دیگر حوزه درمان است که باید ساماندهی انجام بگیرد. سقط جنین یکی از اولویت‌های جدی کشور است و باید مورد رسیدگی قرار بگیرد. همگان باید فکر کنند تا این قتل نفس‌رخ ندهد. یکی از ابعاد آن جمعیت است و آثار وضعی متعددی دارد و در قرآن کریم نیز درباره قتل نفس اشاراتی داریم که مورد نکوهش است. باید پیشگیری و برخورد لازم درباره سقط جنین انجام بگیرد.»

دقیقا ۲۵ مهر سال گذشته بود که رئیس‌جمهور فقید در سیزدهمین همایش ملی نخبگان با توجه به اظهارات یکی از حضار در این همایش در رابطه با وضعیت سقط جنین در کشور، درباره آن اعلام موضع کرد. جست‌وجوها در رابطه با آمار سقط جنین در کشور نشان می‌دهد که هر از چندگاهی عددی درباره تعداد سالانه یا روزانه سقط جنین در کشور مطرح می‌شود اما منبع پیمایش و استخراج این عدد مبهم و نامشخص است.

تیرماه سال ۱۴۰۱ صالح قاسمی، دبیر شورای راهبردی جمعیت استان

تهران درباره آمار سقط جنین کشور به ایستگاه‌گفته بود که سالانه ۳۷۰ هزار سقط در کشور داریم که اغلب آنها غیرقانونی است. صابر جابری،

رئیس مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت نیز تقریبا یک ماه گذشته

در یک برنامه تلویزیونی گفته بود: «روزانه ۱۰۰۰ سقط جنین در کشور انجام می‌شود. به عبارتی سالانه حدود ۳۶۰ هزار سقط جنین در کشور صورت می‌گیرد.»

چند روز گذشته مستندی با عنوان «لابرینت» [هزارتو] به کارگردانی و نویسندگی محمد رضا عبدالحمیدی با موضوع سقط جنین اکران شد.

عبدالحمیدی در این مستند آمار سقط جنین را ۵۰۰ هزار نفر در سال می‌داند و این رقم براساس گفت‌وگوی کارشناسان این حوزه استخراج شده است. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» می‌گوید که هدفش از این مستند، اساسا صحت‌سنجی رقم مطرح‌شده نبوده بلکه مطرح کردن وجود جنین عددی در این اتمسفر است و کارشناسان متعددی معتقدند رقم سالانه سقط جنین در ایران ۵۰۰ هزار نفر است. من نیز مشروح گفت‌وگوی «فرهیختگان» با کارگردان مستند لابرینت است.

■ ■ ■

از نحوه آغاز کار و دغدغه تولید برای مان بگویید.

این مستند از آنجایی شروع شد که دوستان تهیه‌کننده با بنده تماس گرفتند و خواستند تا این کار را بسازم منتها بنده از ابتدای کار، یعنی از تماس اولی که گرفته شد، اصلا ابادا دغدغه‌ای نسبت به مساله سقط جنین نداشتم، چراکه احساس می‌کردم موضوعی کاملا زنانه است. حتی پیشنهاد اولم به دوستان تهیه‌کننده این بود که اگر یک کارگردان خانم برای این پروژه بگذارند، خروجی خیلی بهتری خواهند داشت. بزرگوارانی را هم خودم در این زمینه به آنها معرفی کردم که در ادامه حدود پنج الی شش ماهی رفت‌وبرگشت‌هایی بین تهیه‌کننده و آن دوستان اتفاق افتاد اما در نهایت بعد از شش، هفت ماه امر بر این شد که مجدد خود بنده این کار را آغاز کنم.

در کل بنده این پروژه را از نقطه‌ای آغاز کردم که هیچ درک و دغدغه‌ای نسبت به آن نداشتم و کاملا معتقد بودم که بهتر است خانم‌ها به این مساله بپردازند. به همین خاطر زمانی که در جریان پروژه قرار گرفتم، سعی کردم دغدغه وانگیزه دوستان تهیه‌کننده را محدودی واکاوی کنم و علت اینکه اصلا چرا باید چنین مستندی ساخته شود را جویا شوم. در ادامه که متوجه عمق و اهمیت ماجرا شدم، حتی آن غفلت شش‌ماهه خودم که برپایم عجیب آمد؛ در زمانی که روزی چند هزار فلتن یا چند هزار انسان دارند از دست می‌روند چرا ما باید بر سر اهمیت موضوع بحث کنیم؟ و همین که به این مسأله واقف شدم، دیگر برپایم چرا و اما و اگرّی وجود نداشت و در نهایت در پاییز ۱۴۰۰ همراه با دوستان پژوهش پروژه را آغاز کردیم.

از نحوه پژوهش پروژه کمی برای مان بگویید. معمولا در حوزه سقط جنین آمارها بسیار متناقضند، شما در مواجهه با این آمارها چه کردید و چطور توانستید به آمارهای صحیح و واقعی دست پیدا کنید؟

در موضوعات این چنینی معمولاً تلاش بنده بر این است تا بتوانم از کل فضای آن مساله، یک نمای کلی و از دور به مخاطب ارائه بدهم. با پژوهش‌های متعددی هم از تماشاگران داشته‌ام که بعد از تماشای مستند، در آن موضوع دیگر آدم سابق نبوده‌اند و دید متفاوتی پیدا کرده‌اند. این اتفاق به این دلیل است که مجموعه‌ای از اطلاعات، با یک انسجام و پیوستگی خاص در اختیار مخاطب قرار داده شده که بعد از تماشای، به راحتی می‌تواند درباره آن موضوع چندین ساعت با شناخت صحبت کند. برای این شناخت و جا افتادن بنده از آوازه «اقامه شدن محتوا» استفاده می‌کنم، دغدغه همیشگی بنده این است که مخاطب چنان شناختی نسبت به مساله پیدا کند که موضوع برایش اصطلاحا حاشی شود.

رویکرد اصلی من در مسأله سقط جنین هم دقیقا به همین صورت بوده است؛ معتقد بودم زمانی که من کارگردان، قبل از مواجه شدن با این پروژه هیچ درک و اطلاعاتی نسبت به آن نداشتم‌ام، پس قطعاً میلیون‌ها فرد دیگر هم در جامعه وجود دارند که مشابه من باشند و درکی نسبت به این موضوع نداشته باشند.

پس در ابتدا باید آنها را در این فضا قرار دهم که اصلا چه اتفاقی درحال رخ دادن است و اهمیت این مسأله در چیست. دغدغه اصلی من، آگاهی و ارتباط‌گیری چندین لایه از مخاطبان بوده که دورترین آنها همین افرادی‌اند که هیچ درکی نسبت به این مسأله ندارند.

در رابطه با آمارها هم، بنده در پژوهش مستند هام معمولا زمانی که به نقطه اشباع نظری برسم، تحقیق را ادامه می‌دهم. اشباع نظری به این معناست که اگر در فضای کلی یک موضوع، ۵۰۰ نفر کارشناس وجود داشته باشد، من به عنوان یک فرد مستندساز باید درصد قابل توجهی از آنها را ببینم، آرای آنها را بشنوم و تا زمانی که نظرات این افراد به تکرار برسند، این کار را ادامه دهم؛ تا جایی که اطمینان پیدا کنم فراتر از نظرات، دیگر نظر جدیدی وجود ندارد.

عامل شکسته شدن

قبح جنین شد



سوزه‌های حاضر در مستند را از کجا پیدا کردید؟

امروزه گروه‌های مردمی زیادی هستند شامل زنان و مشاورانی که برای صرف‌نظر کردن افراد از سقط جنین فعالیت می‌کنند و در این زمینه دلسوز و فعالند. طبیعتاً یکی از موارد رجوع ما همین افراد بودند. علاوه بر این، در بررسی کتاب‌هایی که داشتیم هم با یکی از نویسندگان ارتباط گرفتیم که از طریق او به تعدادی از سوزه‌ها وصل شدیم. البته طی فرآیند بسیار دشواری این اتفاق افتاد؛ چراکه بسیاری از این افراد به دلایل زیادی از جمله حفظ آبروی خودشان و خانواده‌شان، مایل به گفت‌وگو نیستند. متأسفانه سوءاستفاده‌هایی که برخی اهالی رسانه نیز طی زمان در این فضا داشته‌اند، بر این بی‌اعتمادی افراد نسبت به تولیدات رسانه‌ای می‌افزاید. یکی از دشواری‌های کار ما همین بوده که زمان ارتباط‌گیری با سوزه‌ها، در هر موضوعی نه فقط سقط جنین، یک انرژی فراوانی صرف این می‌شود تا بتوانیم اعتمادشان را جلب کنیم، با قسم و آیه که قرار نیست از شما سوءاستفاده‌ای بشود و این بار مانند تجربیات تلخ قبلی شما نیست. سوزه‌های ما خیلی اتفاقی به چند نفر رسیدند؛ از ابتدا قرار بود که فقط با یک سوزه کار کنیم و باقی افراد راضی به همراهی نشده بودند اما خیلی اتفاقی روز بعد دیدیم یکی از افرادی که در ابتدا به ما پاسخ منفی داده بود، خودش آمده و اعلام رضایت می‌کند.

این نوعی را که میان کارشناسان مستند شما وجود داشت، چطور برنامه‌ریزی کرده بودید؟

این در واقع نتیجه جلب اعتمادی است که در فرآیند مستندسازی باید انجام شود که گاهی اوقات انجامش خیلی هم سخت خواهد بود. ابتدا این را بگویم که ما در زمانی مشغول ساخت این مستند بودیم که دوران (پسا قانون جوانی جمعیت) بود. این نکته مهمی است. این قانون در آبان‌ماه سال ۱۴۰۰ تصویب شد و ما درست یک سال بعد در آبان‌ماه ۱۴۰۱ شروع می‌کنیم به ساخت یک مستندی که با توجه به موضوع آن، دالما این اشتباه را برای دیگر افراد به وجود می‌آورد که این مستند قرار است در خدمت فلان قانون باشد یا نباشد. در حالی که دغدغه ما مسأله انسانی این موضوع بود. این نوعی هم که ما ایجاد کردیم، دلیل عمده‌اش تکیه ما به همان محور انسانی بودن موضوع بود که باعث شد بتوانیم از هر دو قشر موافقان و مخالفان جوانی جمعیت، کارشناس و متخصص داشته باشیم و از دل حرف‌های هردو گروه، بیامی را که نیازم مخاطب است، استخراج کنیم. زمینه‌کاری و فعالیت کارشناس‌هایی که در مستند حضور دارند، بسیار متنوع است؛ اعم از اخلاق پزشکی، باورری، ناپارووری، فلوشیپ‌های مختلف مرتبط با زنان، ماما‌یی، مباحث مرتبط با حقوق و قانون، جامعه‌شناسی، روانشناسی، مشاوره خانواده و… علت ایجاد این نکشر، ساخت همان دید کلی و نمای از دور برای مخاطب بوده که در ابتدا به‌عنوان هدف اولیه به آن اشاره کردم. حتی ما سوزه‌هایی سخت و دقیقی داشتیم برای سوزه‌های بین‌المللی مستند که به‌نظم بخش مهمی از آن است؛ افرادی که تجربیات خودشان را از فضای خارج از ایران بیان می‌کردند و هدف از حضور این افراد هم این بود که مخاطب فکر نکند این باور روزی رسان بودن خداوند درباره فرزند صرفاً بخشی از باورهای دینی ما در ایران است، نه اصلاً! هر فردی با هر ظاهری در هر جای این کره خاکی، به‌وسیله فطرت خودش این واقعیت هستی و سنت الهی را درک کرده است و از زبان او شنیدنش برای مخاطب قطعاً سطح افق‌های بالاتری نسبت به من کارگردان فارسی‌زبان دارد.

به نظر شما آیا در این آمار بالای سقط جنین، اغراق شده یا اینکه قبح این مسأله واقعا تا این حد شکسته شده است؟

معتقدم این آمار ۵۰۰ هزار سقط در سال که با آن مواجهیم، آمار غلطی نیست. البته دقت داشته باشیم که یک کوتاهی طولانی مدتی هم در این حوزه وجود داشته است. به این صورت که هم آمارگیری نشده و هم به دلایل فرهنگی گوناگون طی چند دهه اخیر اطلاع‌رسانی نشده است. چقدر خوب بود اگر در سال‌های گذشته هم این آمارها اعلام می‌شد. به هر حال همین آماری که الان با ترس و لرز و شبهات بسیار هم به کار می‌بریم، صرفاً متعلق به یک یا دو سال اخیر نیست، بلکه ریشه عظیم ۱۵ الی ۲۰ساله دارد. البته که همین آمار هم تخمینی است و براساس یک دسته ضرایب جامعه‌شناسی، روان‌شناختی یا روش‌های مشخص تحقیق به دست آمده است و مطمئنا موارد زیادی نیز وجود دارد که کسی از آنها خبردار نمی‌شود. در کل کار آماری که انجام شده است با توجه به اینکه ضد آن چیزی انجام نشده، آمار اغراق شده‌ای نیست اما مشکلی که این آمار دارد این است که توسط ارگان قابل وصولی ارائه نشده و نمی‌شود؛ چراکه در حقیقت ما مرجع مشخصی برای این کار در کشور نداریم.

اما طبق آمارهایی که در مرکز تحقیقات مجلس و مراکز تحقیقاتی دیگر وجود دارد که به دور از هیاهوها و با اهداف و نیت سالم پیگیر این ماجرا بوده‌اند، می‌بینیم که این آمارها اعداد قابل اتکایی‌اند و اغراق آنچنانی هم ندارند. به نظر می‌رسد اگر وزارت محترم بهداشت یا حتی وزارت فرهنگ یا شورای عالی انقلاب فرهنگی که در بحث‌های سیاستگذاری جمعیت فعالند، بتوانند یک مرکز تخصصی برای این آمارها ایجاد کنند که حداقل به عنوان یک مرجع معتبر برای جامعه‌شناس باشد. در هر صورت بخش زیادی از این تشکیک‌ها محصول همین عدم شفافیت‌هاست. البته که اغراق‌های بسیار زیادی هم در این زمینه وجود دارد؛ برای مثال یکی از پرزنگ‌ترین آنها عدد ۲ هزار سقط در روز است که به اندازه عدد ۵۰۰ هزار سقط در سال، تکرار و میان اقسار مختلف جامعه شنیده می‌شود. اما چنان قابل تایید نیست؛ چراکه اگر مجموعش را حساب کنید به عدد ۸۰۰ هزار سقط در سال می‌رسید که مشخص است در اصل همان ۵۰۰ هزار بوده اما به جهت اغراق و گرد کردن آمار افزایش یافته است. در رابطه با شکسته شدن قبح مسأله هم، بله متأسفانه این واقعیت دارد و اتفاق افتاده. ما هم تمام تلاش مان در این مستند و سایر تولیدات مرتبط با موضوع، تکیه بر زنده‌انگاری جنین است. به این معنا که جنین هم انسان است و حیات دارد و سقطش در عمل قتل نفس خواهد بود که البته در موارد بسیاری این شکسته شدن قبح در جامعه ما به چشم می‌خورد و این قضیه به این دلیل است که جامعه از نظر اجتماعی بسیار تغییر کرده و دیگر مشابه قبل نیست؛ بنده در این مسأله تفکرات فمینیستی را بسیار مقصر می‌دانم.

چرا تفکرات فمینیستی را مقصر می‌دانید؟

برای مثال همین چند ماه پیش در کشور فرانسه قانونی تصویب کردند که سقط جنین حق مادر است و اصلا ارتباطی به جنین ندارد که بخواهد قتل باشد یا خیر! این شعار «بدن من، انتخاب من» که در واقع زیربنای تفکر فمینیستی است می‌گوید این بدن من است و اصلا به دیگران ارتباطی ندارد، به جامعه ارتباطی ندارد که چه می‌کنم یا چه نمی‌کنم. فقط من هستم و من. این موارد که در اصل از فردگرایی حاکم بر جوامع غرب می‌آید، متأسفانه در ما و جامعه ما هم نمود زیادی دارد. همه ما خاندان‌هایی را با انواع مختلف طرز فکر و پوشش می‌شناسیم که در ذهن شان فرزند را به‌عنوان مانعی برای زندگی، پیشرفت و تفریحات خود دیده‌اند یا می‌بینند و به همین دلایل سقط جنین داشته‌اند یا به فکرش بوده‌اند. این تفکر از همان مبنای شعار فمینیسم می‌آید که متأسفانه در فضای جامعه حال حاضر ما اثر گذاشته است. این می‌شود که افراد می‌گویند این بچه مراحم ماست و الان وقتش نبود و ما الان با او چه کنیم و اینجور صحبت‌ها که خیلی راحت بر زبان آورده می‌شود. اینجا آدم را به فکر و می‌دارد که اصلا هدف خداوند از اینکه قوه شهوت را در انسان قرار داده چه بوده است؟ هدف لذت بردن بوده یا خداوند این را قرار داده برای بقای نسل بشر؟ و دیدگاه قرآن کریم چه بوده است؟ ما حتی در مستندسازی بچه‌های حزب‌اللهی و مذهبی هم گاهی این موضوع را می‌بینیم که برای مثال می‌خواهند به مسائل جنسی ورود کنند و مستندی در این رابطه بسازند و طبیعتاً رویکرد انقلاب اسلامی را در آن لحاظ کنند ولی به‌صورت پیش فرض ناخودآگاه پذیرفته‌اند که مسائل جنسی و شهوانی ابزاری برای لذت بردن و کیف‌و حال‌بشور بوده‌است. درحالی‌که وقتی به قرآن مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که مقدم بر همه اینها چیز دیگری است و خداوند قوه شهوت را ابزاری برای بقای نسل انسان تعیین کرده است. حال آنکه در آن تفکرات فمینیستی و شعار معروف شان چیز دیگری است. در کل من آشکارا نسبت به فمینیسم در این جریان موضع دارم و معتقدم خیانتی که فمینیست‌ها در حق نسل ایرانی انجام داده‌اند و می‌دهند به شدت پرزنگ است و باید نسبت به این مساله که چطور طی ۲۰ و چند سال ذره ذره فکر زن ایرانی را تخریب کرده‌اند، پاسخگو باشند. نسل جدید را به جایی رسانده‌اند که انتخاب‌های ساده‌ای چون تفریحات نامزدی و سال‌های اوایل ازدواج یا دوره و طریح‌های آموزشی دانشگاهی را بر آمدن یک فرزند یا یک انسان برتری می‌دهند. به نظر من در ریختن قبح سقط جنین و قتل یک انسان، فمینیسم واقعا متهم است؛ هم در ابعاد بین‌المللی و هم در فضای داخلی.

برنامه شما برای اکران مستند به چه صورتی است؟

بعد از روزنامه‌یی، تلاش مان بر این است که اکران‌های خصوصی را در تعدادی از دانشگاه‌ها آغاز کنیم. شاید برای سال آینده این مستند به آنتن رسانه ملی یا درگاه‌های دیگر انتشار نیز برسد.

فرهیختگان

نقد روز



پنجشنبه، ۲۹ شهریور ۱۴۰۳



شماره ۴۲۳۲



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

۷